**قدس در طول تاريخ**

قدمت شهر قدس به بيش از پنج هزار سال پيش باز مي‌گردد و بدين ترتيب يكي از قديمي‌ترين شهرهاي جهان محسوب مي‌شود. نام‌هاي مختلفي كه بر اين شهر اطلاق گرديد از عمق تاريخ اين شهر گواهي مي‌دهد. گوناگوني نامها به خاطر ملل مختلفي است كه در اين سرزمين سكونت داشتند. كنعاني‌ها كه در هزاره‌ي سوم پيش از ميلاد به اين منطقه آمدند نام آن را «اورساليم» نهادند كه به معناي شهر صلح يا شهر الهه «ساليم» است.
واژه‌ي اورشليم كه در عبري «يروشاليم» خوانده شده و به بيت‌المقدس اطلاق شده است از ريشه‌ي همين واژه گرفته شده است. در تورات 680 بار اين واژه تكرار شده است. در عصر يونانيان هم اين شهر مقدس به «ايليا» شهرت يافت كه به معناي (خانه‌ي خداست). از مهمترين كارهايي كه كنعانيان براي قدس انجام دادند ايجاد تونل براي تأمين آب به داخل شهر بود. آنان ‌آب چشمه‌ي «جيحون» در دره‌ي «قدرون» كه امروزه به «عين سلوان» شهرت يافته را به اين شهر منتقل كردند.

**ساكنان اصلي شهر**

قبيله «يبوسي‌ها» كه از قبايل كنعانيان عرب بودند در حدود سال 2500 قبل از ميلاد در اين سرزمين ساكن شدند و بر آن نام «يبوس» نهادند. در عصر فراعنه شهر قدس تحت نفوذ مصر فرعوني قرار گرفت كه اين سيطره از قرن 16 قبل از ميلاد آغاز گرديد. در عهدپادشاه «اخناتون» شهر قدس توسط «خابيروها» كه از قبايل باديه‌نشين بودند، مورد حمله قرار گرفته و به دليل آنكه «عبدي خيبا» نتوانست در برابر حملات قبايل باديه‌نشين مقاومت كند، اين شهر به دست آنها افتاد و تا سال 1317 قبل از ميلاد اين سيطره ادامه داشت كه بار ديگر به تصرف مصري‌ها درآمد و تحت حاكميت آنها باقي ماند

**دوره يهودي:**

در تاريخ پنج هزارساله‌ي قدس،‌ يهوديان تنها 73 سال بر اين شهر حكومت كردند. حضرت داوود‌(علیه السلام) بين سالهاي 977 يا 1000 قبل از ميلاد اين شهر را به تصرف خود درآورد و بر آن نام «شهر داوود» نهاد. آن حضرت قصرها و قلعه‌هاي مختلفي در اين شهر بنا كرد. پادشاهي حضرت داوود 40 سال به طول انجاميد. پس از وي پسرش حضرت سليمان(علیه السلام) مدت 33 سال بر اين شهر حكمراني كرد. پس از رحلت حضرت سليمان در عهد فرزندش «رحبعام» قلمرو حضرت سليمان به چند تكه تقسيم شد و اين شهر بار ديگر «اورشليم» نام گرفت.

**عصر بابلي‌ها**

«بخت‌النصر دوم» شهر قدس را پس از شكست دادن پادشاهان يهود در سال 56 پيش از ميلاد به تصرف خود درآورد. وي پس از فتح قدس يهوديان و پادشاه آنان ‌(صدقيا) را به اسارت در آورده و به شهر بابل برد.

**دوره پارسيان**

در سال 538 قبل از ميلاد «كورش» پادشاه هخامنشي پس از برانداختن حكومت ماد و فتح بابل به يهوديان اجازه داد تا از بابل به قدس بازگردند.

**دوره يوناني**

اسكندر (مقدوني) فلسطين را در سال 333 قبل از ميلاد به تصرف خود درآورد. پس از مرگ وي سلسله مقدوني حاكميت خود را در اين شهر ادامه داد. در سال 323 قبل از ميلاد هم «بطلميوس» به اين شهر حمله كرد و آن را به همراه بقيه‌ي خاك فلسطين به سرزمين مصر ملحق كرد. پس از وي جانشين او نيز در سال 198 قبل از ميلادي اين عمل را تكرار كرد.

**دوره روميان**

«بومبيجي يبمپ» فرمانده‌ي ارتش روم در سال 63 قبل از ميلاد قدس را به تصرف خود درآورد و آن را به امپراطوري روم ملحق نمود.
بيت‌ المقدس بدين شكل تا سال 636 ميلادي تحت حاكميت رومي‌ها باقي ماند. در اين مدت شهر قدس شاهد حوادث و رويدادهاي مختلفي بود. شورش يهوديان بين سالهاي 66 تا 70 ميلادي در قدس از جمله حوادث آن دوره بود كه به شدت توسط رومي‌ها سركوب گرديد و در اين شورش شهر به آتش كشيده شد و حاكم روم بسياري از يهوديان را به اسارت گرفت تا وضعيت شهر بار ديگر تحت اشغال رومي‌ها به شكل سابق خود باز گردد.
پس از آن دو بار ديگر يهوديان در سال‌هاي 115 و 132 دست به شورش زدند و موفق شدند شهر را به تصرف خود درآورند اما «آدريان» امپراطور روم به شدت و قساوت با آنان برخورد كرد. او براي بار دوم شهر قدس را ويران و يهوديان را از آنجا اخراج كرده و تنها به مسيحيان اجازه اقامت در شهر را داد. پس از آن نام شهر را به «ايليا» تغيير و دستور داد تا هيچ يهودي در شهر سكونت نداشته باشد.
«كنستانتين اول» امپراطور روم پايتخت خود را به قدس منتقل كرد و مسيحيت را به عنوان دين رسمي كشور تعيين نمود. اين حادثه نقطه عطفي در تاريخ قدس به شمار مي‌رود. زيرا در سال 326 كليساي «قيامت» در قدس ساخته شد.

**بازگشت فارس‌‌ها**

درسال 395 امپراطوري روم به دو بخش متخاصم تقسيم شد. مسئله‌اي كه باعث گرديد تا فارس‌ها نسبت به حمله به قدس ترغيب شوند. اين امر براي آنها در سال 614 ميسر گرديده و حاكميت آنان براين شهر تا سال 628 ادامه يافت. در اين سال رومي‌ها بيت‌المقدس را باز پس گرفته و تا زمان فتح اسلام در سال 636 همچنان حكمراني آنان بر اين شهر ادامه داشت.

**معراج حضرت رسول(صلّی الله علیه و آله و سلّم)**

در سال 621 ميلادي شهر قدس شاهد حضور پيامبر بود، در اين سال خداوند رويداد «اسري»آن حضرت را از مسجد‌الحرام به مسجد‌الاقصي منتقل و از آنجا نيز به معراج برد.
دوره‌ي اول اسلامي: عمر بن الخطاب در سال 636 (15 هجري)ـ در روايت ديگر سال 638 ميلادي ـ شهر قدس را فتح كرد. در آن سال ارتش اسلام به فرماندهي «ابوعبيده عمر بن جراح» وارد بيت‌ المقدس شد.
اسقف «سفرونيوس» درخواست نمود كه عمرخود شهر قدس را تصرف كند، از اين رو بود كه سند اعطاي آزادي ديني در مقابل اعطاي جزيه بين او و عمر به امضا رسيد و اين دوره به (عهد عمري) شهرت يافت. براساس مفاد اين قرارداد نام شهر از ايليا به قدس بازگردانده شد و همچنين به درخواست مسيحيان سكونت يهوديان در شهر قدس ممنوع شد.
از آن تاريخ شهر مقدس قدس شكل اسلامي به خود گرفت، تا آنكه در دوره‌ي امويان (661ـ 750 م) و دوره عباسيان (750ـ 878 م) اين شهر در ابعاد مختلف شاهد شكوفايي گسترده‌اي شده بود.
از مهمترين آثار اسلامي ساخته شده در اين دوره مسجد «قبه‌الصخره» است كه «عبدالملك بن مروان» آن را بين سالهاي 682 تا 691 ميلادي بنا نهاد و در سال 709 ميلادي نيز «مسجدا‌لاقصي» ساخته شده است. شهر قدس در اين دوره شاهد ناآرامي و جنگ‌هاي نظامي متعدد بود كه بين عباسيان و فاطميان و نيز قرامطه روي داده بود. تا اينكه سرانجام در سال 1071 ميلادي بيت‌المقدس به دست سلجوقيان افتاد.

**جنگ‌هاي صليبي**

قدس در سال 1099 به دست صليبيان تصرف شد، اين رويداد پس از 500 سال حكومت اسلامي و بر اثر جنگ‌هاي بوجود آمده بين سلجوقيان و فاطميان از يكسو و نزاع‌ها و اختلافات داخلي سلجوقيان از سوي ديگر به وقوع پيوست. صليبي‌ها به محض ورود به قدس حدود 70 هزار مسلمان را به شهادت رساندند و از هتك حرمت تمامي مقدسات اسلامي دريغ نكردند. از آن تاريخ يك دولت مسيحي در قدس روي كار آمد كه توسط يك پادشاه كاتوليك اداره مي‌شد و تمامي قوانين نيز براساس مذهب كاتوليكي تدوين گرديد. اين مسئله باعث برانگيخته شدن خشم ارتودكس‌ها شد.

**دوره‌ي دوم اسلامي**

در اين دوره «صلاح‌الدين ايوبي» موفق شد در سال 1187 بيت‌المقدس را باز پس بگيرد. اين رويداد طي جنگ «حطين» به وقوع پيوست.
وي پس از فتح قدس با ساكنان آن به نرمي رفتار كرده و صليب‌ها را از قبه‌الصخره برداشته و به سازندگي شهر پرداخت. با اين حال صليبي‌ها توانستند پس از مرگ صلاح‌ الدين بار ديگر بر شهر قدس تسلط يابند. اين كار در دوره «پادشاهي فردريك» صورت گرفت. اين شخص موفق شد كه به مدت 11 سال اين شهر مقدس را در اشغال خود نگه دارد،‌ اما پادشاه «صالح نجم الدين ايوم» در سال 1244 اين شهر را از آنان باز پس گرفت.

**دوره‌ي مماليك**

شهر طي سال‌هاي 1243 و 1244 ميلادي مورد حمله‌ي مغولها قرار گرفت اما مماليك‌ها به فرماندهي «سيف‌الدين قطز» و «الظاهر بيرس» در جنگ «عين جالود» بر مغولها پيروز شدند.
اين رويداد در سال 1259 م به وقوع پيوست و پس از آن تمام فلسطين و از جمله قدس تحت حاكميت مماليكي‌ها درآمد. مماليك‌ها مصر، و شام را نيز پس از سقوط دولت ايوبي تاسال 1517 در حاكميت خويش داشتند.

**حكومت عثماني**

ارتش عثماني به رهبري سلطان سليم اول پس از پيروزي در جنگ «مرج دابق» كه بين سالهاي 1615 تا 1616 روي داد، وارد قدس شده و آن را به قلمرو امپراطوري عثماني ملحق كردند. سلطان «سليمان قانوني» ديوارهاي شهر قدس و همچنين «قبه‌الصخره» را بازسازي كرد.
بين سالهاي 1831 تا 1840 م فلسطين بخشي از كشور مصر به رهبري «محمد‌علي» قرار گرفت. اما طولي نكشيد كه بار ديگر توسط دولت عثماني فتح شد.
دولت عثماني در سال 1880 براي قدس خودمختاري اعلام كرده و ديوارهاي شهر را براي سهولت ورود «ويليام دوم» قيصر آلمان و همراهان وي به شهر در سال 1898 برداشت، به هر شكل قدس تا جنگ جهاني اول تحت حاكميت عثماني بود. آنگاه ترك‌هاي عثماني پس از شكست در جنگ از فلسطين خارج شدند.

**دوره‌ي اشغالگري انگليس**

قدس بين روزهاي 8 و 9/12/1917 به اشغال نيروهاي انگليسي درآمد. در اين تاريخ ژنرال «آلنبي» اشغال قدس را به دست انگليسي‌ها اعلام كرده و «جامعه‌ي ملل» حق قيموميت بر فلسطين را به انگليسي‌ها واگذار كرد. اينگونه بود كه قدس پايتخت فلسطين تحت قيموميت انگليس قرار گرفت.
در اين دوره يعني حاكميت انگليس بين (1920 ـ 1948) فلسطين شاهد ورود گسترده يهوديان از سراسر جهان بود. بخصوص كه پس از وعده‌ي «بالفور» در سال 1917 مبني بر اسكان يهوديان در سرزمين فلسطين، جريان اين مهاجرتها شكل بسيار گسترده‌اي به خود گرفت.

**طرح بين‌المللي كردن قدس**

مسئله قدس پس از جنگ جهاني دوم در سازمان ملل متحد مطرح شد و اين سازمان با صدور قطعنامه‌اي در 29 نوامبر 1947 خواستار بين‌المللي شدن شهر مقدس قدس گرديد.

**پايان قيموميت انگليس**

در سال 1948 انگليس پايان قيموميت خود را بر فلسطين اعلام و نيروهاي خود را از اين سرزمين خارج كرد. به محض خروج انگليس از سرزمين فلسطين باندهاي صهيونيستي از خلأ سياسي و نظامي به وجود آمده در اين سرزمين كمال سوءاستفاده را كرده و فوري برپايي اسرائيل را اعلام كردند. در 3 دسامبر 1948 «ديويد بن گوريون» نخست‌وزير وقت رژيم صهيونيستي بخش غربي قدس را به عنوان پايتخت رژيم صهيونيستي اعلام كرد،‌در حالي كه تا شكست اعراب در جنگ ژوئن 1967 بخش شرقي اين شهر تحت حاكميت اردن بود. اما پس از جنگ ژوئن اين بخش از بيت‌المقدس نيز به اشغال رژيم صهيونيستي درآمد.

**جغرافياي قدس**

شهر قدس روي نصف‌‌النهار 35 درجه و 13 دقيقه شرقي و مدار 31 درجه و 52 دقيقه شمالي قرار گرفته است. اين شهر بر روي سلسله تپه‌هايي كه از غرب به شرق امتداد يافته و بين 720 الي 830 متر بالاتر از سطح دريا قرار گرفته‌اند، واقع شده‌ است.
شهر قدس 54 كيلومتر با درياي مديترانه و 250 كيلومتر با درياي سرخ فاصله دارد.
چندين جاده بسيار مهم قدس را به شهرهاي بزرگ فلسطين و برخي از پايتخت‌هاي كشورهاي عربي متصل مي‌كند. اين شهر 150 كيلومتر با عكا، 65 كيلومتر با نابلس، 36 كيلومتر با الخليل، 62 كيلومتر با يافا و 94 كيلومتر با غزه فاصله دارد. همچنين جاده‌اي به طول 88 كيلومتر اين شهر را به عمان،‌290 كيلومتر به دمشق، 528 كيلومتر به قاهره و 865 كيلومتري به بغداد متصل مي‌سازد.
هسته‌ي اوليه شهر قدس آنگونه كه حفاري‌ها نشان مي‌دهند بر دامنه تپه مشرف بر روستاي «سلوان» واقع در جنوب شرقي حرم قدس شريف كه به مساحتي حدود 55 هزار متر مربع ساخته شده و با آب چشمه‌ي ام‌الدرج نيز آبياري مي‌شد، كشيده شده است.
به مرور زمان شهر قدس روند توسعه‌‌ي خود را پيش گرفت و از شرق، شمال شرق و جنوب غربي گسترش يافت. هسته‌ي مركزي شهر نيز در بر گيرنده‌ي مراكز مقدس سه دين آسماني (اسلام، مسيحيت و يهود) است.
قدس قديمي يا قدس عتيق به مناطقي اطلاق مي‌شود كه در داخل ديوار «سليمان قانوني» قرار دارد. مساحت اين منطقه 71/8 دونم (دونم معادل 1000 متر مربع است) است كه در داخل ديواري به طول 20/4 كيلومتر واقع شده است. منطقه‌ي مذكور بر فراز چهار كوه «موريا»، «صهيون»، «اكرا» و «بزيتا» واقع شده و حرم «مسجد‌الاقصي» نيز در جنوب شرقي بخش قديمي شهر مقدس قدس بر فراز كوه موريا قرار گرفته است. بخش شرقي قدس همان بخش قديمي شهر، شامل محله‌هايي است كه مسلمانان آن را بيرون از اين ديواره ساخته‌‌اند. اين محله‌ها شامل محله «شيخ جراح»، «باب الساهره»، «وادي الجوز» و محله‌ي «ظهر» مي‌باشد.
واژه‌ي بخش شرقي پيش از سال 1948 زماني كه صهيونيست‌ها به حمايت انگليس‌ها در بخش غربي قدس مستقر شدند،‌رايج شد.
واژه قدس غربي در واقع به مناطقي از بيت‌‌المقدس اطلاق مي‌گردد كه در سايه اشغال فلسطين توسط نيروهاي انگليسي گسترش يافته و مهاجران يهودي نيز با پشتيباني انگليس در آن سكونت كردند. اين منطقه وسعت بسياري يافته و انگليسي‌ها اين منطقه را در سال 1946 به حوزه استحفاظي بيت‌ المقدس ملحق كرده و با الحاق بخش غربي قدس مساحت اين شهر را به 19 كيلومتر مربع رساندند.
بدين معنا كه اين بخش به 20 برابر بخش قديمي و كهنه شهر گسترش يافته است.

**قدس يكپارچه**

صهيونيست‌ها از اين واژه براي توصيف بخش‌هاي شرقي و غربي قدس استفاده مي‌كنند. زيرا اين شهر پس از جنگ 1948 به دو قسمت تقسيم شده و صهيونيست‌ها بخش غربي را به اشغال خود درآوردند در حالي كه بخش شرقي آن در اختيار ارتش اردن باقي ماند. اما پس از جنگ 1967 كه صهيونيست‌ها بخش شرقي شهر را هم به اشغال خود درآوردند بر انديشه قدس يكپارچه به عنوان پايتخت ابدي رژيم صهيونيستي پافشاري كردند.
قدس بزرگ: اين واژه در راستاي تلاش‌هاي صهيونيستي براي محو هويت اسلامي اين شهر بكار مي‌رود. صهيونيست‌ها با الحاق شهرك‌هاي صهيونيست‌نشين كه در اطراف شهر قدس احداث كرده‌اند، به بيت‌المقدس، سعي دارند بخش‌‌هاي مسلمان نشين اين شهر مقدس را نسبت به بخش‌هاي يهودي نشين كوچك نشاندهند.
از ديگر اهداف طرح «قدس بزرگ» به محاصره درآوردن محله‌هاي مسلمان نشين شهر كه در بخش قديمي شهر قرار گرفته‌اند را مي‌توان نام برد. صهيونيست‌ها در اين راستا تلاش مي‌كنند تا محله‌هاي مسلمان نشين بخش قديمي را از ديگر محله‌هاي مسلمان‌نشين كه بيرون از ديواره قرار گرفته جدا كرده و با دشوار كردن نقل و انتقال و تردد مسلمانان در بخش قديمي آنان را وادار كنند تا به خارج از شهر قدس نقل مكان كنند. چون بخش قديمي شهر گنجايش جمعيت و ساختمان‌هاي مسكوني را ديگر نداشت،‌كار ساخت و ساز به خارج از ديواره‌اي كه سلطان سليمان قانوني در سال 1542 ميلادي اطراف شهر ساخته بود، منتقل شد و محله‌هايي در خارج از اين شهر ساخته شد كه بعدها به آن قدس جديد اطلاع گرديد.
همچنين مناطق حومه‌ي شهر و روستاهاي اطراف آن نيز به اين شهر متصل شدند. و بعد از آن كه سالها به عنوان روستاهاي اطراف شهر شناخته مي‌شدند، به دليل گسترش شهر به مناطقي در درون آن مبدل شدند كه روستاهاي «شعفاط»، «بيت‌حنينا»، «سلوان» و «عين كارم» از جمله آنها است.

**جمعيت قدس**

براساس آماري كه رژيم صهيونيستي به طور رسمي در سال 2000 ارايه داد، تعداد جمعيت شهر با رشدي 2 درصدي به 646 هزار و 300 نفر رسيده كه از اين تعداد 436 هزار و هفتصد نفر صهيونيست مهاجر و 209 هزار و 500 نفر نيز فلسطيني بودند.
اين در حالي است كه با تغييرات بوجود آمده هم اكنون 6/67 درصد از جمعيت شهر را صهيونيست‌هاي مهاجر و 4/32 درصد را فلسطينيان يعني ساكنان اصلي آن تشكيل مي‌دهند.
افزايش خالص جمعيت پس از آمار‌گيري از زاد و ولد و مهاجرين ودر نظر گرفتن مرگ و مير 12 هزار و 600 نفر مي‌باشد كه از اين تعداد 2900 نفر سهم صهيونيست‌ها و 9700 نفر نيز سهم فلسطينيان مي‌باشد.
با توجه به اين رقم مي‌توان رشد جمعيت صهيونيست‌ها را در شهر 7 درصد و نزد فلسطينيان نيز 4/7 درصد عنوان كرد.
به گفته‌ي دكتر «ساراه هيرشكوبيتس» رئيس بخش برنامه‌ريزي استراتژيك شهرداري قدس رژيم صهيونيستي همواره در تلاش است تا نسبت جمعيت فلسطينيان در شهر قدس از مرز 28 درصد فراتر نرود. در اين راستا رژيم صهيونيستي تمامي تلاش خود را به كار بسته تا جمعيت صهيونيست‌ها را در شهر از هر راه ممكن افزايش دهد. به طور مثال هر خانه‌اي كه فلسطينيان آن را ساختند، رژيم صهيونيستي به بهانه‌ي نداشتن جواز ويران كرده، و صهيونيست‌ها را در همان مكان اسكان مي‌دهند.
براساس آمار منتشر شده توسط «بيت‌الشرق» از سال 1967 تا 1976 بيش از دو هزار منزل مسكوني فلسطينيان توسط صهيونيست‌‌ها ويران شده است و اين مسئله‌اي است كه باعث بروز گرفتاري‌هاي فراوان و بحران شديد در جامعه‌ي فلسطيني گرديده و اكثر خانه‌هاي باقي مانده فلسطيني نيز با تراكم جمعيت بسيار بالايي روبرو است.
براساس آخرين اطلاعات به دست ‌آمده از سوي منابع صهيونيستي در سال 2001 بيش از 32 خانه مسكوني در بخش شرقي بيت‌المقدس توسط اين رژيم منهدم شده ودر شش ماهه اول سال 2002 نيز بيش از 17 خانه مسكوني در اين شهر توسط صهيونيست‌ها ويران شده است.
از سوي ديگر مي‌توان گفت كه يكي از اهرمهاي فشار صهيونيست‌ها عليه فلسطينيان ساكن قدس عدم اعطاي جواز ساخت خانه به آنان است.
صهيونيست‌ها بجز در موارد بسيار نادر به هيچ‌يك از خانه‌هاي فلسطينيان كه بيشتر آنها قديمي هستند، اجازه ساخت نمي‌دهند. اين در حالي است كه براساس اعلام منابع فلسطيني از ميان هر 6 صهيونيست ساكن بخش غربي قدس يك نفر جواز ساخت دريافت كرده است.
به گفته اين منابع در هر سال تنها به 42 فلسطيني و با ارايه شروط سخت جواز ساخت داده مي‌شود.
در اين زمينه بايد گفت كه صهيونيست‌ها در سال 1967 هيچ واحد ساختماني را در بخش شرقي بيت‌المقدس در اختيار نداشتند و همه‌ي 12010 واحد مسكوني اين بخش در اين شهر متعلق به فلسطينيان بود و تا سال 1995 واحدهاي مسكوني صهيونيست‌نشين به 21490 واحد رسيد و در مقابل نيز فلسطينيان تنها 38534 واحد مسكوني را در اختيار داشتند.

**جمعيت در بخش شرقي قدس:**

جمعيت فلسطينيان در سال 1999 حدود 5 درصد افزايش يافت، براساس آمارگيري صورت گرفته توسط اداره‌ي آمار فلسطين در ‌آن تاريخ بيش از 348 هزار فلسطيني در بخش شرقي قدس زندگي مي‌كردند در حالي كه اين رقم در سال قبل از آن 331 هزار نفر بود. با اين وجود صهيونيستها كه قدس را به عنوان پايتخت ابدي خود اعلام كرده بودند، اعلام مي‌كنند تنها 180 هزار فلسطيني در اين شهر زندگي مي‌كنند. اداره‌ي آمار فلسطين پيش‌بيني مي‌كند كه جمعيت فلسطينيان در بخش شرقي قدس تا سال 2010 ميلادي به بيش از نيم ميليون نفر خواهد رسيد. براساس همين آمار فلسطينيان تنها 7/10 درصد از كل مساحت را در اختيار دارند.
از سوي ديگر شهرك‌هاي صهيونيست‌نشين كه پس از اشغال اين شهر ساخته شده است، حدود 7/2 درصد را به خود اختصاص داده و بقيه 85 درصد مساحت شهر نيز كه حدود 338 هزار دونم است بعنوان منطقه بسته نظامي اعلام شده و ورود فلسطينيان به آن ممنوع شده است.
طي جنگ‌هاي 1948 و 1967 رژيم صهيونيسيتي موفق شد تمامي بيت‌المقدس (بخش‌هاي شرقي و غربي) را به اشغال خود درآورد و مساحت اين شهر را به چندين برابر افزايش داد.
صهيونيست‌ها براي حفظ برتري يهودي در اين شهر بسياري از روستاهاي فلسطيني مجاور قدس را هم به زور سرنيزه به اين ضميمه كرده‌اند. در حالي كه تمام مذاكرات سازش در مورد قدس بر سر يك كيلومتر مربع از اين مكان مقدس بود اما اكنون برسر بقيه شهر مي‌باشد. در صورتي كه مساحت بخش شرقي قدس بالغ بر 73 كيلومتر مربع است. حال با توجه به اين نابرابري ملاحظه كنيد كه روند سازش چه بر سر مسئله قدس مي‌آورد.
در اينجا لازم به اشاره است كه بخش قديمي قدس به پنج محله تقسيم مي‌شود: محله‌ي اسلامي، محله‌ي مسيحي (كه به آنها محله‌ي عربي يا فلسطيني اطلاق مي‌شود)، محله‌ي يهودي كه پس از جنگ 1967 بر روي زمين‌هاي موقوفه اسلامي ساخته شد، محله‌ي ارمني، و صحن مسجد‌الاقصي است كه تمامي اين محله‌ها تنها به وسعت يك كيلومتر مربع قرار دارند.

**كمپ‌ديويد 2**

مسئله قدس در جدول حل و فصل نهايي روند سازش قرار داده شده بود.
اين مسائل در مذاكرات «كمپ‌ديويد 2» مطرح شد كه در آن «ايهود باراك» نخست‌وزير وقت رژيم صهيونيستي و «ياسر عرفات» رئيس تشكيلات خودگردان فلسطين «بيل كلينتون» رئيس جمهور وقت آمريكا حضورداشتند.
در گفت‌و گوهاي كمپ‌ديويد رژيم صهيونيستي و آمريكا به عرفات پيشنهاد كردند كه محله‌ي عربي (مسيحي و مسلمان نشين) كه مساحت آن از يك سوم كيلومتر تجاوز نمي‌كند را به تشيكلات خودگردان واگذار كنند. در اين مذاكرات رژيم صهيونيستي حاضر نشد تمام بخش قديمي اين شهر را به فلسطينيان واگذار كند. به هر شكل اين مسئله با مخالفت طرف فلسطيني مذاكره كننده مواجه گرديد.
مي‌توان مسئله قدس را يكي از پايه‌هاي اساسي شكست مذاكرات دوره‌اي سازش‌ عنوان كرد.

برگرفته از : «نداءالقدس»، سال چهارم، شماره‌ي 67، 1/11/1381
منبع: http://www.dowran.ir